

پروپوزیشن های ایران شای



مردمان

(یادبود و دوین ساگر در کلاشت نزد کیکان فر)

در این دیار خانجی دانداز نیست
بر گریه ام مخمذ که خون می رود ز دل
این طشت خون که روز برآید در آسمان
خوشید تیره گشت زمین سرد و تار شد
این کاغذین حصار که خواندیش ز منگی
یک سیاه مرک روان است و می رسد
مردک عتاب تیز پر اوج آسمان
آغوش او چون نیست تنم زیر خاک به

اند رسای سوک چه کس سوکوار نیست
آرام گو مباحش چو در جان قرار نیست
خوشید بادد بر این کو هسار نیست
و آن ماه شب فروزه که در مدار نیست
چمن نقش روی آب بر آن اعتبار نیست
بر ساعی که بیج ترا امطار نیست
پرواز کرد و رفت به فکر شکار نیست
وین سر بریده باد چو در پای یار نیست
منوچهر یکدلی نغمه



9 789640 433867

مزدگانامه

(یادبود دومین سالگرد درگذشت مزدک کیان فر)

خوانان
جمشید کیان فر، پروین استخری

کیان‌فر، جمشید، ۱۳۳۰ -

مزدک‌نامه: (یادبود دومین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)/ خواهان
جمشید کیان‌فر، پروین استخری. تهران: خواهان، ۱۳۸۸.
پانزده، ۸۰۳ ص: مصور (رنگی).

978-964-04-3386-7

شابک

یادداشت:

Jamshid Kianfar, Parvin Istakhri. Mazdak Nameh con the occasion
of the second anniversary of the death of Mazdak Kianfar.

کیان‌فر، مزدک، ۱۳۶۴-۱۳۸۶. یادنامه‌ها، مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴.

الف. کیان‌فر، جمشید، ۱۳۳۰ - ، گردآورنده. ب. استخری، پروین،

۱۳۳۳ - ، گردآورنده. ج. عنوان دیگر: یادبود دومین سال درگذشت مهندس

مزدک کیان‌فر.

۸۶۴/۶۲۰۸

PIR ۴۲۸۷ / م ۴ ۱۳۸۸

مزدک‌نامه (۲)

(یادبود دومین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)

خواهان: جمشید کیان‌فر، پروین استخری

چاپ اول: ۱۳۸۸

حروفچینی: محبوبه محمدی

لیتوگرافی و چاپ: طیف‌نگار

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۳۳۸۶-۷

مرکز پخش: انتشارات اساطیر ۸۸۸۳۱۴۷۳

ناشر: خواهان ۰۹۱۲۴۱۲۸۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

۱۸۰۰۰ تومان

مزدک کیان‌فر

تولد	۱۳۶۲/۸/۲۱
ورود به مهد کودک نیما	۱۳۶۲/۱۱/۲۱
جشن فارغ‌التحصیلی از مهد کودک نیما	۱۳۶۸/۶/۳۱
کلاس اول دبستان شهید مطهری	۱۳۶۸/۷/۱
پایان مرحله ابتدائی (دبستان)	۱۳۷۳/۴/۱
کلاس اول راهنمائی (مدرسه میقات)	۱۳۷۳/۷/۱
پایان مرحله راهنمائی	۱۳۷۶/۴/۱
کلاس اول دبیرستان نمونه مردمی تزکیه	۱۳۷۶/۷/۱
پیش‌دانشگاهی حکیم فارابی	۱۳۷۹/۷/۱
همکاری با کافی‌نت پیام و سپیده	تابستان ۱۳۸۰
دانشجوی سال اول (رشته مهندسی عمران - عمران)	۱۳۸۰/۷/۱
دانشگاه آزاد - زنجان.	
همکاری با انتشارات قلم آشنا (مدیریت تولید)	مرداد ۱۳۸۱
عضویت در گروه طراحی و چاپ سالنامه جوان	آذر ۱۳۸۱
همکاری با تبلیغات انتخاباتی مجلس و شورای شهر (ستاد مهر)	زمستان ۱۳۸۱
همکاری با مؤسسه فرهنگی - هنری پیشین پژوه و حاصل آن:	اسفند ۱۳۸۱
طراحی متن و جلد: جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق	نوروز ۱۳۸۲
صفحه‌آرایی و طراحی متن و جلد: راهنمای مرکز پژوهشی	بهار ۱۳۸۲
بررسی‌های باستان‌شناسی	
صفحه‌آرایی و طراحی جلد: زیگورات سیلک	
طراحی جلد: ترانه‌های غرjestان	بهار ۱۳۸۲

تابستان ۱۳۸۲

طراحی جلد: نشریه مردم گیاه

پائیز ۱۳۸۲

راه‌اندازی مؤسسه فرهنگی - هنری دیسناد (ارائه خدمات و

مشاوره در امور چاپ و راه‌اندازی سایت و تبلیغات رسانه‌ای):

طراحی سایت شرکت بازرگانی سُها

طراحی و مدیریت سایت زمستون

طراحی وب‌سایت شخصی احسان دلاویز

طراحی جلد و نظارت بر چاپ کتاب: مجموعه قوانین و

مقررات بندری - دریایی ایران (۲ جلد)

همکاری با انتشارات مهر آریا (در زمینه انفورماتیک)

تابستان ۱۳۸۳ - بهار ۱۳۸۶ همکاری با شرکت پارسه هنر

۱۳۸۶/۴/۱۴ تصادف رانندگی، پا از دایره هستی بیرون نهاد.

فهرست مطالب

سخن خواهان سیزده

کلیات

- در سوک فرزند/ اکبر ثبوت ۱
- میرسیدعلی تبریزی و مکتب کتاب آرائی «هند و ایرانی» / دکتر مهدی افضلی ۲۱
- نسخ خطی فارسی، میراث علمی مشترک و عامل پیوند فرهنگی دو ملت ایران و هند /
دکتر حبیب‌الله عظیمی ۵۰
- کتاب در ایران / دکتر توفیق ه سبجانی ۶۲
- فهرست اجمالی چهارصد و نود نسخه خطی در کتابخانه وزیری یزد/ فرید قاسملو ۷۱
- قند پارسی / محسن محمدی ۱۰۴

دین

- افلاطون در آیین مغان / دکتر منصور چیت‌ساز ۱۲۷
- خدای آسمان و زمین در چین سنتی / حسین جریزه‌دار ۱۴۷

فلسفه

- فلسفه مرگ و زندگی / شادروان دکتر احمدعلی رجایی خراسانی ۱۷۷
- از غموم این جهان تا سرور جاودان / شهلا هاشمی اصفهانی ۱۸۳
- دولت صفوی و صدرالدین شیرازی / منوچهر پزشک ۱۸۹
- عدل الهی در نظر خیام / دکتر مهدی امین‌رضوی، ترجمه زینب پیری ۱۹۸

زبان‌شناسی

- دو واژه / دکتر علی رواقی ۲۰۹

- ۲۲۵ دوگانگی ماده‌های مضارع و ماضی در فعل فارسی / دکتر حبیب برجیان
- ۲۳۸ پیلسته (پیل+استه) به چه معنا بوده است؟ / محمدحسن ابریشمی
- ۲۴۹ سنت تحقیقات واج‌شناختی در تاریخ زبان و ادبیات فارسی / مهدی رحیم‌پور

نقد و بررسی

- ۲۸۵ شورانگیزی از تبریز / دکتر میرجلال‌الدین کزازی
- ۲۹۱ به بند کشیدن دانش گریزیا / محمدحسین ساکت
- ۳۳۱ آن که دسترسی به فقیه ندارد / آیت‌الله جعفر سبحانی؛ ترجمه علی اوجبی
- ۳۴۰ ابومسلم‌نامه و نقش آن در تاریخ اجتماعی عصر صفوی / الهام ملک‌زاده

ادبیات

- ۳۵۱ امام حسین(ع) از نظر مولوی / دکتر سیدسلیمان صفوی
- ۳۶۰ اثرپذیری سعدی از منتبّی / دکتر محمدحسین حیدریان
- ۳۷۷ کوله بار شیطان / دکتر محمد مجلسی
- ۳۸۵ نوادرالحکایات عبدالنبی فخرالزمانی / علیرضا ذکاوتی قراگزلو
- ۳۹۱ بازآفرینی یک حکایت خاورزمینی در آمریکای لاتین / رهنورد زریاب
- ۴۱۳ زنان خانواده مولوی / ع. روح‌بخشان
- ۴۳۴ مثنوی گفتار نیک / دکتر غلامرضا افراسیابی

رسائل

- ۴۳۹ رساله حیاتیه / به تصحیح و تحشیه جویا جهانبخش
- ۴۷۳ رساله در محال مازندران / بکوشش جمشید قائمی
- ۴۸۶ کتابخانه ملی / دکتر بیانی؛ به کوشش نادر مطلبی کاشانی
- ۵۰۳ تعبیر خواب سنائی / بکوشش عبدالکریم جریده‌دار
- ۵۲۷ رساله موسوم به کتابچه بنفشه / علیرضا دولتشاهی

اسناد

- ۵۳۷ آخرین فرمان ناصرالدین شاه / حوریه سعیدی
- ۵۴۳ پایان عمر رشیده به روایت اسناد / ناصر افشارفر

مطبوعات

روزنامه‌های همدان / پرویز اذکائی (سپستان) ۵۵۵

سکه‌شناسی

سکه‌های اسلامی در انگلستان سده سیزدهم میلادی / دکتر محسن جعفری‌مذهب ۵۷۳

تاریخ

ماجرای قتل عیسی‌خان و فرزندانش به بهانه معرفی یک سند تاریخی /

دکتر محسن بهرام‌نژاد ۵۸۳

مسئله براندازی حکومت لخمی حیره به دست خسرو پرویز / دکتر غ. ر. برهمند ۵۹۸

راهنمای مورخان / احمد صائب، به کوشش علی ارطغرل؛ ترجمه دکتر نصرالله صالحی ... ۶۱۱

اخبارالدوله العباسیه و اهمیت آن برای بررسی تحول مشروعیت عباسیان /

محمدکاظم رحمتی ۶۴۲

سیری در اوضاع مذهبی ایران در قرون هشتم و نهم هجری قمری /

دکتر امیر تیمور رفیعی ۶۵۷

شرق‌شناسی و تاریخ اسلام / ا. د. فاروق عمر فوزی؛ ترجمه سیده رقیه میرابوالقاسمی ... ۶۶۹

اصناف اسلامی / لویی ماسینیون؛ ترجمه یزدان فرخی ۷۰۲

بابک خرم‌دین / مزدک کیان‌فر ۷۰۸

تأثیر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بر مورخان عصر تیموری / جمشید کیان‌فر ۷۱۵

رجال

ابن ذکوان، پیر قرائت قرآن / دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول ۷۲۳

سنایی و برهان‌الدین بریانگر / حسن انوشه ۷۳۰

جغرافیای تاریخی

بندر گناوه و نقش آن در تجارت خلیج فارس / دکتر جواد نیستانی ۷۳۷

موقعیت جغرافیایی و تاریخی منطقه ریجاب / رامین یلفانی ۷۴۸

یادمان

تصویرهای بریده بریده / فرامرز طالبی ۷۵۹

شب بیدار رایانه نشین / آرش محمودپور ۷۷۱

زندگی: آری / مهتا کیان‌فر ۷۷۵

مزدکم: پا از دائرہ ہستی بیرون نہاد یعنی... / پروین استخری ۷۷۹

بازتاب ۷۸۹

سخن خواهان

عطار شاعر عارف و وارسته سده ششم، شعری سروده است:
به دریایی درافتادم که پایانش نمی‌بینم به دردی مبتلا گشتم که درمانش نمی‌بینم
گوئی عطار هشت سده قبل این شعر را برای ما سروده بود که:
به دردی مبتلا گشتم که درمانش نمی‌بینم

و حاصل این درد بی‌درمان: مزدک‌نامه‌ای در اولین یادبود فرزند عزیزمان مزدک کیان‌فر در ۱۴/ تیر/ ۱۳۸۷ منتشر شد. مقالات بسیاری از دوستان و سروران اهل قلم زینت‌بخش صفحات آن بود. در این جا و در این مناسبت هم، تنها نبودیم. بر خود می‌بالیم که از روز اول تنها نبودیم و این را برای خود مایه فخر و مباهات می‌دانیم. ولی به هر حال، چند مقاله‌ای به مزدک‌نامه (۱) دیر رسید که ما آن را برای مزدک‌نامه (۲) در سال ۱۳۸۸ در نظر گرفتیم و در این یک سال از سروران عزیز و دوستان گرامی، استدعای مقاله کردیم. به تدریج دوستان دانشمند مقالات را مرحمت می‌فرمودند و مقالات حروفچینی می‌شد و آماده چاپ. نمی‌دانیم که با چه بیانی سپاس خود را اعلام داریم. تنها می‌توانیم برایشان آرزوی سلامت و شادمانی داشته باشیم.

باری، اگر عمری باشد، برآنیم که همه ساله این یادنامه را منتشر کنیم. شاید که قدری مایه تسکین ما باشد. به مصداق:
بفرروزید چراغی و بجوئید مگر به من روز فرورفته پسر بازدهید

جان فروشید و اسیران ازل بازخرید مگر این یوسف جان را به پدر بازدهید

در آن روزها، استاد جلال‌الدین کزازی مقاله‌ای برای درج در یکی از نشریات آماده می‌کردند؛ اما با دیدن مزدک‌نامه رأیشان عوض شد و آن را از سر لطف به مزدک‌نامه هبه کردند و یا آن عزیز و برادر افغانی در لاهور در کنگرهٔ زبان و ادبیات فارسی وقتی واقعهٔ مزدک را از زبان آقای ساکت شنیدند، مقالهٔ قرائت شده در کنگره را با عنوان «ویژهٔ مزدک‌نامه» توسط آقای ساکت برایمان فرستادند و در این دو سال، این‌گونه محبت‌ها که همه از سر صدق و صفا و مهر و محبت بود، کم نبود و ما درمانده که چگونه باید دست بوششان شویم و شاکر این همه بذل محبت.

در مزدک‌نامهٔ یادبود سال نخست چنان در داغ دل می‌سوختیم که در سخن خواهان فراموشمان شد که تشکری از مرحمت و لطف بزرگوارانی که تراوش قلمی - شان زینت‌بخش صفحات مزدک‌نامه بود بعمل آوریم و شرمندگی این غفلت تا ابد همچون داغ جگرسوز مزدک با ما خواهد بود.

حال با تشکر از پدیدآوردگان دومین یادبود سالگرد مزدک ذکر چند نکته ضروری است:

۱. ویراستاری در مقالات انجام نشده است.
 ۲. کلیهٔ نوشته‌ها به سبک و سیاق یا تراوش قلمی صاحبان مقالات است و حتی در ضبط واژه‌ها هر آن‌گونه که مؤلفان نوشته‌اند، ثبت و باقی ماند. تنها یک مورد در مقالهٔ استاد بزرگوار آقای رهنورد زریاب که واژه دهخدا را جدای (= ده‌خدا) نوشته بودند، چون نام شخص بود و بدین شیوه اشتهاار داشت، به رسم الخط و سبک نوشتهٔ شادروان علی اکبر دهخدا ضبط گردید.
 ۳. اگر خدای ناکرده لغزش و سهوی در شیوهٔ ضبط دقیق اسامی و واژه‌ها و یا علائم سجاوندی رخ داده از کوتاهی ماست و بزرگان صاحب قلم را سهو و خطائی نیست و از محضرشان پوزش می‌طلبیم.
- یک بار دیگر از همهٔ صاحب‌قلمان با ذوق و اندیشه که حاصل تراوشات قلمی - شان موجب شکل‌گیری این مجموعه در دو سال شده سپاس و امتنان خود را نثار قدومشان می‌کنیم.

سیاس بی‌کران از دکتر اکبر ایرانی مدیر مرکز پژوهشی میراث مکتوب که ما را در تدوین و تدارک مزدک‌نامه نخستین از بدو الی چاپ یاری کردند و همچنین از سرکار خانم ستایش نورانی‌نژاد که در نمونه‌خوانی و گاه در جمع‌آوری مقالات همچون دختری دلسوز از سر مهر و محبت معین و یاورمان بود سپاسگزاریم و از دختر خوب و مهربان دیگرمان سرکار خانم محبوبه محمدی که در هر دو سال با حوصله و دقت وافر کار حروفچینی و صفحه‌آرایی زیبای مزدک‌نامه را برعهده گرفتند شاکر و سپاسگزاریم و برای هر دو دختر خوبمان آرزوی سعادت و نیکبختی داریم.

پروین استخری، جمشید کیان‌فر

امام حسین (ع) از نظر مولوی

دکتر سید سلمان صفوی*

حماسه معراج خونین عاشقانه سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله امام حسین - علیه السلام - سلاله پاک رسول اکرم خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی - صلوات الله علیه - در آثار مولانا در سیاق (context) و چارچوب (framework) توحید و "سیر محبی" به سوی توحید ربوبی معنا و مفهوم می‌یابد. حضرت حق جل جلاله، رب حسین و "سلطان عشق خونین"، مربوب حضرت محبوب است.

مثنوی مولانا کتاب "توحید" و سیر عاشقانه به جانب حضرت «هو الاول والاخر و الظاهر و الباطن» (حدید، ۳) و کلیات شمس تبریزی "عشق نامه" مولوی است. "یا انیس من لا انیس له"، "یا من لا یرغب الیه"، "یا خیر المرغوبین" (دعای جوشن کبیر). مولانا در این دو اثر بزرگ خویش به بررسی حماسه امام حسین از منظر عرفانی پرداخته است. در این وجیزه به بررسی روایت مولانا از امام حسین در چهار غزل از کلیات شمس و حکایتی از مثنوی می‌پردازیم.

کلید واژه‌های فهم مقام منیع و بی‌نظیر سیدالشهد حضرت امام حسین (ع) در مثنوی و دیوان شمس عبارتند از: عشق، عاشقی، شهید، شهادت، فدائی، بلا، مرگ، پارسا، فنا، بقا، خسرو دین، خسرو غیب، وصل، دوست، پیشتازان و طلایه‌داران سلوک، زندان، عاشورا، کربلا، یزید، فراق، شمر، عزا؛ تقابل کاراکترها، صفات و

* استاد دانشگاه لندن، آکادمی مطالعات ایرانی لندن، سردبیر مجله Transcendent Philosophy
Email: Philosophy@iranianstudies.org

خصایل.

در آثار مولانا عموماً شهید و حسین مترادف یکدیگرند و حتی می‌توان گفت واژه گلگون شهید و مقام عظمای شهادت به اصطلاح فنی، انصراف دارد بر شخصیت جامع و یگانه امام حسین به عنوان انسان کامل.

از نگاه مولانا، حضرت سیدالشهدا از سوز شوق دل الهی خویش، هر آن طلب استعلای وجودی می‌نماید و حضرت محبوب آواز قبول وصال سر می‌دهد. "دل"، فی حد ذاته عرش پروردگار و هم چون حسین، در پی سفر و معراج به مبداء اعلی است. در غزل ۲۳۰ دیوان کبیر، امام حسین سنگ محک و معیاری است که دل، به مثابه جایگاهی رفیع که همه اعمال و احوال و مقامات وجودی آدمی به آن بستگی دارد به آن تشبیه می‌شود، نه آن که حسین به دل تشبیه شود. از نظر عرفا در نظام هستی، "انسان" خلاصه موجودات و خلاصه انسان، "دل" است. (نک: شیخ صفی الدین اردبیلی، *صفوة الصفا*، ص ۴۴۳). در بیان نهایت سرسپردگی و شیفتمگی مولانا به امام حسین، بیت دوم غزل مذکور کفایت می‌کند؛ فتامل یا اولی الابصار. در تقابل با چنین رتبه متعالی، وجود اسفل یزید قرار دارد که سمبل کامل جدایی، فراق و دوری از حضرت حق جل و جلاله است. شهیدان قافله کربلا سمبل اعلای شهیدان تاریخ‌اند که سرافرازانه مقامات سلوک خونین عاشقانه را در دشت پر بلای امتحان خونین الهی، در کربلا طی کرده‌اند. آنها به ظاهر مُرده‌اند اما در واقع به حیات اعلای طیبه استعلا یافته‌اند که بسی برتر از عالم ظاهر است. مولانا شهیدان کربلا را نمونه اعلای این آیه شریفه قرآن در باب شهداء برمی‌شمارد: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹). کاروان شریف اسرای کربلا از نظر دشمن که از محضر سلطان وجود محجوب و بعید است، در حکم اسیرند، اما بر خلاف تصور این کوردلان، آنها "شاه مقام قرب دوست" اند، مقامی که بین آنها و حضرت محبوب هیچ رادع و مانعی نیست.

از نظر عرفا بهشت بر دو نوع است: عام و خاص. بهشت عام، بهشت اکل و شرب و مناکحه و مخصوص بندگان عام است؛ و بهشت خاص، مقام لقا، وصال و مشاهده حضرت حق و بهشت بندگان خاص است (*صفوة الصفا*، ص ۴۳۷-۴۳۸). مولانا، امام حسین و شهیدان کربلا را مقیمان بهشت وصال حق تعالی می‌داند که با در هم-

شکستن قفس دنیا، به کوی دوست پروازی ابدی کرده‌اند. سیدالشهداء خورشید فروزان و شکوفه به ثمر نشستۀ محفل واصلان محبوب است، زیرا ریشه درخت وجود مبارک او از ذات اقدس الهی توانگر شده است.

ز سوز شوق دل همی‌زند علا
دلت همچو حسین و فراق همچو یزید
شهید گشته به ظاهر حیات گشته به غیب
میان جنت و فردوس وصل دوست مقیم
اگر نه بیخ درختش درون غیب ملیست
خماوش باش و ز سوی ضمیر ناطق باش
که بوک در رسدش از جناب وصل بلا
شهید گشته دو صد ره به دشت کرب و بلا
اسیر در نظر خصم و خسروی بخلا
رهیده از تک زندان جوع و رخص و غلا
چرا شکوفه وصلش شکفته است ملا
که نفس ناطق کلی بگویدت افلا
(کلیات شمس تبریزی: غزل ۲۳۰)

مولانا در غزل ۲۱۰۲ کلیات شمس ضمن اشاره‌ای کوتاه اما پر مغز به اصل منبع "فنا در توحید فعل"، رمز یکسانی ماندن و رفتن برای حسین را چنین تبیین می‌کند که اراده و فعل حسین با وصال به مقام فنا در توحید افعالی، مستهلک در توحید است و او تسلیم اراده و تدبیر الهی است. (نک: صفوی، تهران، ۱۳۸۶)

حسین و یاران شهید او با دوری جستن از آرزوها و امیال نفسانی با ساحت عشق آشنا شدند. او فدایی معشوق است و در این معاشقه الهی خون خویش را نثار آستان محبوب می‌نماید، چرا که برای او مساله بودن یا نبودن نیست بلکه اصل، فناء عاشقانه است. (نک: ویلیام شکسپیر - هملت) حسین و عاشقان حسینی صفت، در پی بلا و سختیها و مشکلات وجودی‌اند و در مقابل، عوام و واماندگان، از تدبیر الهی گریزانند.

مولانا در این غزل نیز با روش مطالعه مقارنه‌ای بر آن است که فهم بهتری از حسین و عاشقان حسینی و "واماندگان" از طریق حماسی کربلا ارائه کند:

بجز از کام دل جدا بودن	چیست با عشق آشنا بودن
با سگان بر در وفا بودن	خون شدن خون خود فرو خوردن
پیش او مرگ و نقل یا بودن	او فداییست هیچ فرقی نیست
جهد می‌کن به پارسا بودن	رو مسلمان سپر سلامت باش
عاشقانند بر فنا بودن	کین شهیدان ز مرگ نشکینند

از قضا و بلا گریزی تو ترس ایشان ز بی‌بلا بودن
ششه می‌گیر و روز عاشورا تو نتانی به کربلا بودن

(کلیات: غزل ۲۱۰۲)

بلندترین و مشهورترین غزل مولانا در باب عظمت و علو مقام حسین و شهیدان کربلا، غزل ۲۷۰۷ کلیات شمس است. مطلع غزل، شهیدان الهی و بلا جوینان "معاشقه کربلابی" و پایان آن ارجاعی است زیبا به انسان کامل و خورشید موعود که شاهد و ناظر است و اصل اصل نزول انوار الهی در عالم ممکنات است. در این غزل، شهیدان و عاشقان مترادفند. شهیدان به مدد تجرد وجودی و "معرفت" که مقدمه عاشقی است و "بالهای عاشقی"، برتر و فراتر از مرغان هوایی در ساحت حضرت دوست پرواز می‌کنند که «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (سوره مائده، ۵۴). آنها شاهان عالم غیب‌اند که به یاری عشق، بابهای عوالم پنهان را گشوده‌اند و از جمله رموز توفیق آنها در این پرواز عاشقانه، رهایی از "انواع خود" است. آنها با فنا و بقا در "عقل عقل" در ناکجا آبادند. (نک: صفوی، لندن، ۲۰۰۷) مولانا از بیت پنجم این غزل به بیان رابطه شهیدان و اصل با سالکان می‌پردازد؛ رهایی شهیدان، در رهایی دیگر سالکان اثری وجودی نهاده، چرا که آنها با شکستن در زندان تودرتوی طبیعت و نفس خویش، باب مخزن اسرار الهی را گشوده‌اند. در آغاز نفی و سپس اثبات. "لا اله الا الله"، «لا اله الا هو» (بقره، ۲۵۵) "لا اله الا انت". شهیدان - واصلان به محبوب - وحسین - سید و سالار آنها - نوای فقیران و درویشان کوی دوست‌اند.

شهیدان حسینی مقیم دریای وجود بیکران حضرت واجب الوجوداند که این عالم، تجلیات اسماء و صفات اوست. هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر، ۲۴) «الله لا اله الا هو». "لا اله الا انت". که از روز الست آشنای او بودند. «الستُ بریکم؟ قالوا بلی». (اعراف، ۱۷۳) مولانا در بیت هشتم با اشاره به یکی از اصول عرفان نظری که انواع دنیاها را عالم ناسوت را هیچ اندر هیچ و تو خالی و گذرا و میرا می‌داند؛ انسان‌ها را به عرفان عملی فرا می‌خواند. آنگاه گویی پیام امام حسین (ع) را ابلاغ می‌کند که ای مدعیان، اگر از قبیله ما و کربلابی هستید اهل صفا شده، دل را به نور الهی منور گردانید.

کجایید ای شهیدان خدایی بلاجوینان دشت کربلابی

کجایید ای سبک‌بالان عاشق
 کجایید ای شهان آسمانی
 کجایید ای ز جان و جا رهیده
 کجایید ای در زندان شکسته
 کجایید ای در مخزن گشاده
 در آن بحرید کین عالم کف اوست
 کف دریاست صورتهای عالم
 دلم کف کرد کین نقش سخن شد
 بر آ ای شمس تبریزی ز مشرق
 پرنده‌تر ز مرغان هوایی
 بدانسته فلک را درگشایی
 کسی مر عقل را گوید کجایی
 بداده وامداران را رهایی
 کجایید ای نوای بی‌نوایی
 زمانی بیش دارید آشنایی
 ز کف بگذر اگر اهل صفایی
 بهل نقش و به دل رو گر ز مایی
 که اصل اصل هر ضیایی

(کلیات شمس، غزل ۲۷۰۷)

مولانا در داستان شیعیان حلب در دفتر ششم مثنوی ابیات ۷۷۷-۸۰۵ به بیان عظمت معنوی و بلندی تبار و صفات برجسته امام حسین و آسیب شناسی برخی از عزاداران حسینی می‌پردازد و حسرت و اندوه واقعه غمبار عاشورا و شهادت حسین را برای پیروان راستین طریق حق و رسول خدا حضرت مصطفی بس عظیم می‌داند، چرا که دوستدار حضرت محمد (ص) باید امام حسین را نیز دوستدار باشد، که آن بزرگ فرموده: "حسین منی و انا من حسین". "قدر عشق گوش، عشق گوشوار!" آن که گوش را دوست دارد گوشواره را نیز دوستدار است؛ گوش کنایه از حضرت محمد(ص) و گوشواره کنایه از امام حسین (ع) است. به اعتقاد مومنین، عزاداری و تعظیم شعائر "روح پاک" سید الشهدا، از صد طوفان نوح نیز مشهورتر است. مولانا در ابیات ۷۹۱ و ۷۹۲، با تأکید بر لفظ "مومن" و کیفیت نسبت آن با حسین، تولای حسین و تبری جستن از دشمنان او را از نشانه‌های ایمان معرفی می‌کند. گویی به این فراز زیارت عاشورا نظر داشته: «یا ابا عبدالله لقد عظمت الرزیه و جلت و عظمت المصیبه بک علینا و جمیع اهل الاسلام». ای ابا عبدالله به راستی که سوگت بزرگ و مصیبت تو بر ما و اهل اسلام همگی، بس عظیم و سترگ است. در این ابیات از حسین با عبارات "روح سلطانی" و "شاهنشاه" یاد می‌شود که با توجه به اشعار دیگر مولانا و سیاق گفتمان سوم دفتر ششم که داستان مذکور بخشی از آن است، مقصود "سلطان عشق" است. (نک: صفوی، ۱۳۸۶) در بیتی دیگر امام، "خسرو

دین "خطاب می‌شود؛ مولوی هیچ یک از صحابه و خلفا را به این لقب نخوانده. در بیان او امام حسین، نمونه‌اعلای عاشق صادق واصل است. او "خسرو دین" و "شاهنشاه عاشقان" است که با رهایی از قفس دنیا به عالم غیب ره یافته است.

پس از آن مولانا برخی از عزاداران را که فرسنگها از ارزش‌های حسینی به دورند به گریه بر خویشتن خویش فرا می‌خواند: بر حسین مگرید، بر قلب و ایمان خراب و وابسته خویش به این دنیای دنی نوحه کنید. مولانا با برشمردن نشانه‌های دینداری - "توکل، جانبازی، بی‌نیازی، فرخی معنوی و بخشندگی - به مدعیان کاذب دینداری که وجودشان فاقد این نشانه‌هاست پاسخ می‌دهد: اگر حسینی هستید و از شراب عشق الهی نوشیده‌اید چرا هیچ اثری در اعمال و رفتارتان مشاهده نمی‌شود.

ماتم جانی که از قرنی به است
قدر عشق گوش عشق گوشوار
شهره‌تر باشد ز صد طوفان نوح
(مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۷۹۰-۷۹۳)

زان که بد مرگی است این خوابِ گران
جامه چه درانیم و چون خاییم دست
وقت شادی شد چو بشکستند بند
کنده و زنجیر را انداختند
گر تو یک ذره از ایشان آگهی
زانکه در انکارِ نقل و محشری
که نمی‌بیند جز این خاک کهن
پشتدار و جان سپار و چشم سیر
گر بدیدی بحر کو کفِ سخی
خاصه آن کاو دید آن دریا و میغ
(مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۷۹۵-۸۰۵)

روز عاشورا نمی‌دانی که هست
پیش مومن کی بود این غصه خوار
پیش مومن ماتم آن پاک روح

پس عزا بر خود کنید ای خفتگان
روح سلطانی ز زندانی بجست
چون که ایشان خسرو دین بوده‌اند
سوی شادروان دولت تاختند
روز ملک است و گش و شاهنشهی
ور نه‌ای آگه برو بر خود گری
بر دل و دین خرابت نوحه کن
ور همی‌بیند چرا نبود دلیر
در رُخت کو از می دین فرخی
آنکه جو دید آب را نکند دریغ

مولانا در غزل ۴۳۶ کلیات شمس - تصحیح فروزانفر برابر با غزل ۱۸۱ کلیات شمس تصحیح دکتر توفیق سبحانی - برخی دیگر از نشانه‌های عاشقان راستین را بیان می‌کند: «جوشش ابدی، اشک شوق و فراق و وصال، مراقبه، استشمام بوی جام

الهی، وفا و یاری، طالب لطف الهی، زهد و تقوی و استقامت». اللهم رزقنا.

گفتا که کیست بر در؟ گفتم کمین غلامت
گفتا که چند رانی؟ گفتم که تا بخوانی
دعوی عشق کردم سوگندها بخوردم
گفتا برای دعوی قاضی گواه خواهد
گفتا گواه جرحست، تر دامنست چشمت
گفتا که بود همره؟ گفتم: خیالت ای شه
گفتا چه عزم داری؟ گفتم وفا و یاری
گفتا کجاست خوشتر؟ گفتم که قصر قیصر
گفتا چرا خالیست؟ گفتم ز بیم رهن
گفتا کجاست ایمن؟ گفتم که زهد و تقوی
گفتا کجاست آفت؟ گفتم به کوی عشقت
خامش که گر بگویم من نکته‌های او را
(کلیات شمس، غزل ۴۳۶)

از متاخرین، استاد جلال الدین همائی، در مولوی‌نامه بر تشیع مولوی و عشق وی
به اهل البیت تاکید کرده است:

من در عمق افکار و عقاید مولوی و گفته‌های وی در مثنوی جنبه‌ای از
محبت و هوا خواهی علی و آل علی و خاندان پیغمبر اکرم - صلوات‌الله
علیهم اجمعین - دریافته‌ام که می‌توان آن را با اساس و پایه اصلی تشیع
بمعنی عام کلمه تطبیق داد. وی در مطاوی گفتارش به مقام ولایت مطلقه
الهیة حضرت امیرالمومنین علی - علیه‌السلام - اشاره نموده و در دفتر اول
مثنوی "سبطین" یعنی امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام را گوشواره
عرش ربانی می‌خواند.

چون ز رویش مرتضی شد در فشان
چون که سبطین از سرش واقف بدند

(همایی، مولوی‌نامه، ص ۵۱-۵۸)

پروفسور ویلیام چیتیک مولوی شناس مشهور از شاگردان استاد آشتیانی نیز
مقاله‌ای در این موضوع؛ "امام حسین از نگاه مولوی" سرسپردگی مولوی به امام

حسین را تبیین کرده است (2008-*"Rumi Spiritual Shiism"*). دکتر شهرام پازوکی استاد برجسته فلسفه و عرفان اسلامی در دو مقاله مستقل، تبعیت مولانا از ولایت علوی و تشیع معنوی را محققانه اثبات نموده؛ اولین مقاله در مجله "تراسنندنت فیلسوفی" (*Transcendent Philosophy Journal*) صفحه ۵۱۳-۵۳۰، لندن) و دومین مقاله در کنفرانس بین المللی مولوی در تهران - در آبان ماه ۱۳۸۶ - ارائه شده است. دکتر تابنده و پروفسور نصر نیز در باره پیوستگی مبنائی عرفان و تشیع مقالاتی دارند که در کتاب "*Rumi Spiritual Shiism*" تشیع معنوی مولوی به چاپ رسیده است. پروفسور هانری کرین نیز استدلال می کند که اساسا عرفان مشربی است شیعی، زیرا مبتنی بر نظریه انسان کامل است و انسان کامل، همان اصل امامت در تشیع است.

جمع بندی:

از دیدگاه مولانا شهیدان عاشقاند و امام حسین (ع) سید و سالار و شاه شهیدان است. شهیدان با پای نهادن بر نفس اماره، از خود خواهی و امیال دنیوی رهایی یافته، در حضرت حق فانی شده و به مقام بقا واصل گشته اند.

کلیدواژه های صدر مقاله بیانگر جغرافیای فکری - هندسه معرفتی و کهکشان وجودی امام حسین نزد مولانا جلال الین بلخی خراسانی است. فاعتبروا یا اولی الابصار.

به باطن همچو عقل کل به ظاهر همچو تنگ گل

دمی الهام امر قل دمی تشریف اعطینا

(کلیات شمس، از غزل ۵۴)

بتر بود عدوش و آن منصبش نماند در دیده کی بماند گر درافتد درو خس

(کلیات شمس، از غزل ۱۲۱۱)

اللهم ارزقنی شفاعة الحسین یوم الورد و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام.

منابع

قرآن مجید.

زیارت عاشورا.

مولانا جلال الدین، کلیات شمس تبریزی، ویراسته فروزانفر، بدیع الزمان، تهران، ۱۳۸۴.

مولانا جلال الدین، دیوان کبیر کلیات شمس تبریزی، نسخه قونیه، سبحانی، توفیق، تهران، ۱۳۸۶.

مولانا جلال الدین، مثنوی، نیکلسون.

همائی، جلال الدین، مولوی نامه، تهران، ۱۳۷۴.

صفوی، سید سلمان، تشیع معنوی مولوی، تهران، ۱۳۸۵.

صفوی، سید سلمان، ساختار کلی دفتر ششم مثنوی، کنفرانس بین المللی مولوی، تهران، ۱۳۸۶.

چاپ: فصلنامه آینه میراث (ویژه نامه مولانا جلال الدین محمد بلخی)، دوره جدید سال ۵،

ش ۳، پیاپی ۳۸، پائیز ۱۳۸۶، ص ۱۸۱-۲۱۶.

صفوی، سید سلمان، ساختار کلی دفتر سوم مثنوی مولوی، کنفرانس بین المللی استانبول، ۱۳۸۶.

چاپ: فصلنامه آینه میراث (ویژه نامه مولانا جلال الدین محمد بلخی)، دوره جدید سال ۵،

ش ۳، پیاپی ۳۸، پائیز ۱۳۸۶، ص ۱۵۶-۱۸۰.

ابن بزاز اردبیلی، صفوة الصفا (در احوال شیخ صفی الدین اردبیلی)، تصحیح طباطبائی مجد،

غلامرضا، تهران، ۱۳۷۶.

Chittick, William, Rumi's View of the Imam Husayn, in "Rumi's Spiritual Shi'ism", ed. Safavi, Seyed G, London Academy of Iranian Studies, Philadelphia, 2008.

Safavi, Seyed G, Rumi's Spiritual Shi'ism, in the "Transcendent Philosophy Journal", London, 2006.

Safavi, Seyed G, Rumi Teachings, London Academy of Iranian Studies, Philadelphia, 2008.

Safavi, Seyed G, Sufism, London Academy of Iranian Studies, Philadelphia, 2009.

Safavi, Seyed G, Theoretical and Practical Reason According to Rumi and Mulla Sadra, in the "Transcendent Philosophy Journal", London, 2007.

Safavi, Seyed, G, The Structure and Hermeneutics of Third Book of Rumi's Mathnawi as a Whole, in the "Transcendent Philosophy Journal", London, 2009.

Safavi, Seyed, G, The Structure and Hermeneutics of Sixth Book of Rumi's Mathnawi as a Whole, in the "Transcendent Philosophy Journal", London, 2009.

Shahram Pazpuki, Spiritual Walayah, in The "Transcendent Philosophy Journal", Dec 2003, London